

بررسی تاثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین کیفیت حسابرس و کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری

امیر غفوریان شاگردی*^۱، حمید سقانصرتی^۲، محمدسجاد غفوریان شاگردی^۳

۱- استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، (نویسنده مسئول)،

ghafourian@imamreza.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد حسابرسی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)

hamidnosrati2010@gmail.com

۳- کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی - استراتژیک، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)

sajjad.ghafourian@imamreza.ac.ir

چکیده- هدف تحقیق حاضر بررسی تاثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین کیفیت حسابرس و کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. این پژوهش از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و به لحاظ روش انجام پژوهش، توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران که پس از نمونه‌گیری، بالغ بر ۱۰۲ شرکت و در یک دوره زمانی ۶ ساله از سال ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵ است. روش آزمون فرضیات در مطالعه حاضر استفاده از رگرسیون چند متغیره می‌باشد که تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی از نرم‌افزار استاتا و جهت آزمون فرضیات با استفاده از نرم‌افزار ایویوز انجام پذیرفته است. براساس تحلیل‌های آماری صورت پذیرفته، نتایج نشان داد که بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری ارتباط معناداری وجود دارد؛ عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری اثر معناداری دارد. علاوه بر این نتایج نشان داد، بین کیفیت حسابرس با اعتبار تجاری ارتباط معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: اعتبار تجاری، کیفیت اطلاعات حسابداری، کیفیت حسابرس، عدم تقارن اطلاعاتی.

مقدمه

محیطی که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند در حال رشد و بسیار رقابتی است. در چنین محیطی شرکت‌ها برای حفظ بقای خود ناگزیر به رقابت با عوامل متعددی در سطح ملی و بین‌المللی هستند. بدین جهت، باید فعالیت‌های خود را از طریق سرمایه‌گذاری‌های جدید گسترش دهند. اما ممکن است منابع داخلی شرکت برای تامین سرمایه لازم برای سرمایه‌گذاری جدید کافی نباشد و شرکت ملزم به تامین مالی از منابع برون شرکتی شود. در این حالت، اعتباردهندگان، میزان اعتبار و توان بازپرداخت اصل و بهره تسهیلات اعطایی به شرکت‌ها

را به منظور افزایش شناخت نسبت وضعیت و توان مالی آنها معین می‌کنند. به عبارت ساده‌تر، اعتباردهندگان، میزان شرکت‌ها را از نظر توان بازپرداخت بدهی رتبه‌بندی می‌کنند. در واقع اعتباردهندگان با استفاده از این رتبه‌بندی اقدام به اتخاذ تصمیم در مورد اعطای اعتبار به شرکت‌ها می‌کنند. در این صورت تسهیلات به شرکت‌هایی اعطا می‌شود که از توان بازپرداخت بدهی بیشتری برخوردار بوده و احتمال بازپرداخت بدهی آن در موعد مقرر بیش‌تر باشد. اگر توان بازپرداخت شرکتی پایین ارزیابی شود، اعتباردهندگان به شرکت اعتماد لازم را نداشته و برای اعطای تسهیلات نرخ بهره بالاتری را خواستار می‌شود. در نتیجه، شرکت‌ها عموماً نگران وضعیت اعتباری خود هستند. این نگرانی از این بابت است که اولاً مبادا شرکت در پرداخت اصل و فرع بدهی‌هایش ناتوان، و با بحران مالی روبرو شود. ثانیاً اینکه مبادا تصمیمات اعتباری امروز شرکت، انعطاف-پذیری مالی فردای شرکت را به خطر اندازد (هوی و همکاران، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، مطالعات پیشین نشان دادند که به سبب عدم تقارن اطلاعاتی، نهادهای مالی و سرمایه‌گذاران جهت ارزیابی ریسک شرکت‌های وام-گیرنده بر اطلاعات حسابداری تکیه دارند. گزارش‌دهی مالی با کیفیت بالا، تامین‌کنندگان سرمایه را قادر می‌سازد به شکل بهتری ریسک اعتباری شرکت را ارزیابی کرده و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهند و بنابراین تامین‌کنندگان سرمایه بیشتر تمایل دارند برای شرکت‌هایی که کیفیت حسابداری بالایی دارند تامین مالی نمایند (بتی و همکاران، ۲۰۱۰؛ گرملی و همکاران، ۲۰۱۲؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر، با ثابت نگاه داشتن سایر منابع ریسک، از آنجا که مشتریان با کیفیت حسابداری بالا (پایین) دسترسی آسان (محدودی) به تامین مالی دارند، هزینه‌ها (مزایای) استفاده از اعتبار تجاری احتمالاً بیش از مزایا (هزینه‌های) آن خواهد بود. این استدلال، پیش‌بینی می‌کند که مشتریانی که کیفیت حسابداری پایینی دارند بیشتر احتمال دارد از اعتبار تجاری استفاده کنند، که به ارتباط منفی بین کیفیت حسابداری شرکت و استفاده از اعتبار تجاری می‌انجامد (راما و همکاران، ۲۰۰۸). بنابراین کیفیت اطلاعات حسابداری نقش غیرقابل انکاری در توانایی جذب اعتبار از اعتباردهندگان را ایفا می‌کند. یکی از راه‌هایی که موجب افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری می‌شود، به کارگیری از شرکت‌های حسابرسی بزرگ برای حسابرسی، اطلاعات حسابداری می‌باشد. آن‌طور که از پژوهش‌های صورت گرفته برمی‌آید، یکی از شاخص‌های کیفیت حسابرسی، اندازه موسسه می‌باشد و موسسات بزرگ‌تر به دلیل حفظ اعتبار و شهرت خود، عملیات حسابرسی را با کیفیت بیش‌تری انجام می‌دهند. به بیان دیگر رسالت اصلی حرفه حسابرسی اعتباربخشی می‌باشد. و انتظار بر این است که، شرکت‌هایی که توسط موسسات بزرگ حسابرسی (در ایران، سازمان حسابرسی) از کیفیت اطلاعات حسابداری بیش‌تری برخوردار باشند. و بدین ترتیب اعتباردهندگان ریسک این‌گونه شرکت‌ها را پایین ارزیابی کرده و راحت‌تر به آنها اعتبار، اعطا نمایند. لذا در پژوهش حاضر هدف بررسی این موضوع است، که آیا بین کیفیت حسابداری، کیفیت حسابرس و اعتبار تجاری با ملاحظه نقش عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

کیفیت حسابداری

اطلاعات حسابداری مکانیزمی را فراهم می‌آورد که به واسطه آن اطلاعات درون سازمانی به سرمایه‌گذاران و بازارهای سرمایه انتقال می‌یابد. با انتقال اطلاعات به بازارهای سرمایه، شناخت از کیفیت پروژه‌های شرکت افزایش یافته و در نتیجه، هزینه سرمایه مطالبه شده با کیفیت پروژه تناسب خواهد داشت. از سوی دیگر، اطلاعات حسابداری امکان کنترل بیش‌تر سرمایه‌گذاران بر فعالیت‌های مدیریت را افزایش داده و بنابراین مدیران را از انجام سرمایه‌گذاری‌هایی که بر مبنای منافع سرمایه‌گذاران تبیین نگردیده است، منع می‌کند (بلالی و نورشاهی، ۱۳۹۲). اگر توانایی سرمایه‌گذاران در پردازش اطلاعات مرتبط با سود متفاوت باشد کیفیت پایین سود منجر می‌شود سرمایه‌گذاران به‌طور متفاوتی اطلاعات کسب کنند و این امر عدم تقارن اطلاعاتی را تشدید می‌نماید (بها‌تاجاریا و همکاران، ۲۰۱۳). در مقابل ارائه اطلاعات با کیفیت می‌تواند تأثیرات مساعدی بر تصمیم‌های مربوط به انجام سرمایه‌گذاری، اعطای تسهیلات، تصمیم‌های مربوط به تخصیصی سرمایه و در مجموع کارایی بازار و اقتصاد خواهد داشت (لی و همکاران، ۲۰۱۰). با توجه به اهمیت کیفیت اطلاعات حسابداری همواره محققان و اعضای حرفه حسابرسی در پی آن بودند که تدابیری را اتخاذ نمایند که منجر به افزایش کیفیت حسابداری گردد.

اعتبار تجاری

شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری به منابع مالی نیاز دارند، اما منابع مالی و استفاده از آن‌ها باید به خوبی تعیین شود تا شرکت بتواند در مسیر پیشرفت و سودآوری گام بردارد. اعتبار تجاری برای بانک‌ها و عرضه‌کنندگان کالا و خدمات از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. از این‌رو، شرکت‌ها عموماً نگران وضعیت اعتباری خود هستند. این نگرانی از این بابت است که اولاً مبادا شرکت در پرداخت اصل و فرع بدهی‌هایش ناتوان، و با بحران مالی روبرو شود ثانیاً اینکه مبادا تصمیمات اعتباری امروز شرکت، انعطاف‌پذیری مالی فردای شرکت را به خطر اندازد. بحث مربوط به وضعیت اعتباری شرکت‌ها، نه تنها برای خودشان بلکه برای سایر ذینفعان شرکت از جمله بستانکاران و سرمایه‌گذاران فعلی بااهمیت است. همچنین اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران بالقوه نیز از وضعیت اعتباری شرکت‌ها غافل نخواهند شد. در واقع اعتبار تجاری نقش اساسی در فعالیت‌های تجاری هر شرکتی دارد و نشان‌دهنده میزان اعتماد تامین‌کنندگان و اعتباردهندگان به شرکت است و ابزار تامین مالی کوتاه‌مدت محسوب می‌شود. شرکت‌های دارای اعتبار تجاری مناسب، بدون پرداخت وجه نقد، خدمات مورد نیاز خود را از تامین‌کنندگان دریافت می‌کنند و بانک‌ها و سایر اعتباردهندگان با بررسی اعتبار تجاری شرکت اقدام به اعطای تسهیلات می‌نمایند (نصرتی، ۱۳۹۶).

کیفیت حسابرس

از کیفیت حسابرسی تعریف‌های گوناگونی ارائه گردیده است. در ادبیات حرفه‌ای کیفیت حسابرسی در رابطه با میزان رعایت استانداردهای حسابرسی مربوطه تعریف می‌شود. در مقابل پژوهش‌گران حسابداری ابعادی چندگانه برای کیفیت حسابرسی قائل هستند و این ابعاد اغلب به تعریف‌هایی که ظاهری متفاوت دارند منجر می‌شود. عمومی‌ترین تعریف‌ها از کیفیت حسابرسی عناصر زیر را دربر می‌گیرد: احتمال وجود اشتباهات عمده در صورت‌های مالی که حسابرس بتواند آنها را کشف و گزارش کند، همچنین احتمال این که حسابرس برای صورت‌های مالی حاوی اشتباهات بااهمیت گزارش مشروط صادر نکند. تعاریف مذکور درجات متفاوتی از ابعاد شایستگی و استقلال حسابرسان در انجام حسابرسی (استقلال واقعی) و همچنین چگونگی درک استفاده‌کنندگان از استقلال آنها را دربر می‌گیرند (علوی طبری و همکاران، ۱۳۸۸).

عدم تقارن اطلاعاتی

یکی از پدیده‌های منفی که به‌طور معمول در بازارهای اوراق بهادار رخ می‌دهد، نبود تقارن اطلاعاتی است. اطلاعات بازار سرمایه را می‌توان به‌عنوان اطلاعات مربوط به اقتصاد بازار صنعت و شرکت طبقه‌بندی کرد. بنابراین اطلاعات مربوط به اقتصاد بخش مهمی از دانش یک سرمایه‌گذار است. اکثر سرمایه‌گذاران و کارگزاران آنچه که در بازار در حال وقوع است را با بررسی شاخص‌های بازار تفسیر می‌کنند. براساس تئوری عدم تقارن اطلاعاتی، مدیران شرکت‌ها، مزیت اطلاعاتی نهانی از درون شرکت دارند. مدیران به‌عنوان مسئول تهیه صورت‌های مالی با آگاهی کامل بر وضعیت مالی شرکت و با برخورداری از سطح آگاهی بیشتر نسبت به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، به‌طور بالقوه سعی دارند که تصویر واحد تجاری را مطلوب جلوه دهند. همچنین ممکن است دارایی‌ها و سرمایه واحد تجاری بهتر از وضعیت واقعی به‌نظر رسد و انگیزه سرمایه‌گذاران افراد برون سازمانی در واحد تجاری افزایش یابد. در این صورت شکاف اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان داخلی و خارجی بوجود آید که در اصطلاح عدم تقارن اطلاعاتی نامیده می‌شود (اسدی و همکاران، ۱۳۹۴). هر چه اطلاعات محرمانه بیشتر باشد، دامنه‌ی تفاوت قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش سهام بین سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد و در نتیجه بازده سرمایه‌گذارانی که به این‌گونه اطلاعات دسترسی ندارد، کاهش می‌یابد (کورمیر و همکاران، ۲۰۱۳).

بسط و توسعه فرضیه‌ها

کیفیت حسابداری و اعتبار تجاری

فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) و گارسیا و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که شرکت‌ها با کیفیت حسابداری ضعیف هزینه‌های بیش‌تری را هم در بدهی و هم در حقوق صاحبان سهام متحمل می‌شوند. به‌علاوه، گورملی و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که افزایش در محافظه‌کاری حسابداری باعث بهبود اطلاعاتی دسترسی شرکت‌های مبهم به بازارهای بدهی می‌گردد. در یک رشته‌ی ادبی مرتبط دیگر، مطالعات نشان دادند شرکت‌هایی که کیفیت حسابداری پایینی دارند بیش‌تر احتمال دارند پروژه‌های ارزش خالص مثبت را اجرا نمایند که به سبب محدودیت‌های تامین مالی می‌باشد. به همین صورت، گارسیا - آپندینی (۲۰۱۱) نشان دادند اعتبار تجاری به شکل یک گواهینامه‌ی کیفیت ارائه شده توسط تامین‌کنندگان به مشتریان عمل کرده و شرکت‌هایی که از تامین‌کنندگان خود اعتبار تجاری دریافت می‌کنند متوسط بالاتری دارند، که نشان می‌دهد نهادهای مالی بیش‌تر احتمال دارد به آن شرکت‌ها وام دهند. کلاپر و همکاران (۲۰۱۲) از یک مجموعه داده‌ی جامع و یکتا جهت تحلیل استفاده از اعتبار تجاری استفاده می‌نمایند. آنها دریافتند که مشتریان بزرگ و معتبرتر از اعتبار تجاری بیش‌تری استفاده می‌کنند که توسط تامین‌کنندگان کوچک‌تر تولید شدند، و نشان از ارتباط نامتقارن بین تامین‌کنندگان و مشتریان می‌باشد. با این وصف فرضیه مربوطه به شرح ذیل تبیین می‌گردد:

فرضیه اول: بین کیفیت حسابداری و اعتبار تجاری رابطه معناداری وجود دارد.

عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت حسابداری و اعتبار تجاری

از دیدگاه دیگر، جدایی مالکیت از مدیریت، منجر به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. به بیان دیگر، پدیده عدم تقارن اطلاعاتی از آنجا ریشه می‌گیرد که سرمایه‌گذاران تصمیم‌های مالی خود را براساس اطلاعاتی اتخاذ می‌کنند که مدیریت شرکت تهیه کرده است و این در حالی است که براساس نظریه نمایندگی، بین منافع مدیریت و سهام‌داران تضاد بالقوه‌ای وجود دارد، بنابراین می‌توان ادعا کرد که عدم تقارن اطلاعاتی بین گروه مدیریت و سهام‌داران موضوعی بنیادی برای بازار سرمایه محسوب می‌شود (کلارسون و همکاران، ۲۰۰۷). بنابر باور چن و همکاران (۲۰۱۷) اطلاعات مالی با کیفیت باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شوند و بنابراین اعتباردهندگان بر صورت‌های مالی به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی مهم جهت ارزیابی و کنترل اعتبار وام‌گیرندگان می‌نگرند. با این وصف فرضیه مربوطه به شرح ذیل تبیین می‌گردد:

فرضیه دوم: عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین کیفیت حسابداری و اعتبار تجاری تاثیر معنادار دارد.

کیفیت حسابرِس و اعتبار تجاری

بر اساس تئوری نمایندگی شرکت را می‌توان مجموعه‌ای از قراردادهای بین ذی‌نفعان مختلف تعریف نمود. این ذی‌نفعان هر کدام منافعی در شرکت دارند که لزوماً با سایرین در یک راستا نیست. مدیران به دلیل موقعیت و جایگاه خود نسبت به سهامداران از اطلاعات بیشتری آگاه هستند که این امر نوعی عدم تقارن را به وجود می‌آورد که از آن تحت عنوان عدم تقارن اطلاعاتی یاد می‌شود؛ و منجر به افزایش ریسک اطلاعاتی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر استفاده کنندگان از صورت‌های مالی به منظور تصمیم‌گیری خواهان دریافت اطلاعات معتبر از شرکت‌ها می‌باشند. از نگاه استفاده کنندگان یکی از عوامل افزایش اعتبار اطلاعات افشا شده این است که، سازمان مستقلی بر فرایند گزارشگری واحدهای تجاری و مرکز ثقل این فرایند، یعنی صورت‌های مالی نظارت کند. حسابرسان می‌توانند بر انتخاب روش‌های حسابداری توسط مدیریت تأثیر بگذارند. از این رو، صورت‌های مالی نهایی را تحت تأثیر قرار داده و سبب افزایش قابلیت اتکای اقلام مندرج در صورت‌های مالی می‌شوند (کردستانی و رحیمی، ۱۳۸۹). چن و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که، کیفیت حسابرِس اثر معکوسی بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد. حکیم و عمری (۲۰۱۰)، آلماتیری و همکاران (۲۰۰۹) نیز وجود ارتباط منفی بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرِس اشاره کرده‌اند. با این وصف فرضیه مربوطه به شرح ذیل تبیین می‌گردد:

فرضیه سوم: بین کیفیت حسابرِس با اعتبار تجاری رابطه معنادار وجود دارد.

روش پژوهش

مقصود از روش تحقیق این است که مشخص کنیم چه روش تحقیقی برای بررسی موضوع مورد نظر لازم است. این پژوهش از نظر هدف، پژوهشی کاربردی محسوب می‌شود. هدف از پژوهش‌های کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است و بیش‌تر بر مؤثرترین اقدام تأکید دارند و علت‌ها را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند. روش انجام پژوهش توصیفی-همبستگی می‌باشد. در مطالعه توصیفی بدون توجه به علل قضا یا در رویدادها، فقط چگونه بودن و کیفیت آن‌ها را بررسی و بیان می‌نمایند و در مطالعه همبستگی هدف آن است که مشخص شود آیا رابطه‌ای بین دو یا چند متغیر وجود دارد و اگر وجود دارد اندازه و حد آن چقدر است؟ پژوهش حاضر به دلیل این که در فاصله زمانی در طی یک دوره ۶ ساله انجام می‌شود، از نظر افق زمانی طولی می‌باشد و به دلیل اینکه داده‌های مورد استفاده، اطلاعات واقعی و تاریخی است می‌توان آن را از نوع پس رویدادی طبقه‌بندی کرد.

روش جمع‌آوری داده‌ها، جامعه، نمونه آماری

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به بخش تجربی و آزمون فرضیه‌های پژوهش داده‌های مرتبط با متغیر مستقل از منابع کتابخانه‌ای، صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه، اطلاعیه‌های منتشر شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار، بانک جامع اطلاعاتی شرکت‌ها در سایت رسمی سازمان بورس و نرم‌افزار ره‌آورد نوین گردآوری خواهد شد. جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و از همه صنایع طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵ می‌باشد. نمونه این مطالعه با توجه به موضوع آن، از نوع نمونه‌گیری حذفی است که در آن شرکت‌های انتخاب شده با توجه به محدودیت‌های ذکر شده در ذیل از بین مجموعه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که دارای شرایط ذیل باشند:

- دوره مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.
 - در طی دوره مورد بررسی (۱۳۹۰-۱۳۹۵) تغییر سال مالی نداشته باشد.
 - اطلاعات مالی آن قابل دسترس باشد.
 - جزء شرکت‌های مالی (مانند بانک‌ها، موسسات مالی) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشد.
 - در طی دوره تحقیق شرکت تداوم فعالیت داشته باشد.
- با در نظر گرفتن شرایط فوق تعداد ۱۰۲ شرکت باقی ماند که در حقیقت نشان‌دهنده جامعه آماری واقعی مورد رسیدگی می‌باشد.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن

متغیر مستقل

کیفیت حسابداری (AQ)

در تحقیق حاضر، به منظور اندازه‌گیری کیفیت حسابداری (AQ) از مدل دیچو (۱۹۹۵) استفاده خواهد شد.

$$TACC_{i,t} = \alpha + \beta_1 (\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}) + \beta_2 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۱)

که در آن:

$TACC_{i,t}$: کل اقلام تعهدی؛ نسبت تفاوت بین سود عملیاتی و جریان نقد عملیاتی به کل دارایی‌های اول

دوره.

$\Delta REV_{i,t}$: تغییرات درآمدها؛ نسبت تفاوت بین درآمدهای دو دوره متوالی به کل دارایی‌های اول دوره.

$\Delta REC_{i,t}$: تغییرات دریافته‌ها؛ نسبت تفاوت بین دریافته‌های دو دوره متوالی به کل دارایی‌های اول دوره.

$PPE_{i,t}$: اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات؛ نسبت اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات به کل دارایی‌های اول دوره.

$\varepsilon_{i,t}$: خطای مدل رگرسیونی است که بیانگر اقلام تعهدی اختیاری و شاخص کیفیت حسابداری است.

کیفیت حسابرس:

Auditor: متغیر دامی در صورتی حسابرس سازمان حسابرسی و موسسه مفید راهبر باشد ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر اختیار خواهد کرد.

متغیر وابسته

Tradecredit (اعتبار تجاری): از طریق تقسیم مجموع حسابهای پرداختی بر مجموع دارایی‌ها محاسبه می‌گردد. این رویکرد مطابق با مطالعه پیترسن و راجان (۱۹۹۷) می‌باشد.

متغیرهای تعدیل‌گر

عدم تقارن اطلاعاتی:

Infoasym: طبق تحقیق لی و ژائو (۲۰۰۸) و دوربیتس و همکاران (۲۰۱۰)، عدم تقارن اطلاعاتی به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$ASY = Ln \left(1 + \frac{SDA}{|MF|} \right)$$

رابطه (۱)

که در آن:

SDA = انحراف معیار خطای پیش‌بینی درآمد

$|MF|$ = میانگین خطای پیش‌بینی درآمد (\bar{X})

$$SD_A = \frac{\sigma}{\sqrt{N}} = \sqrt{\frac{1}{N(N-1)} \sum_{i=1}^N (X_i - \bar{X})^2}$$

رابطه (۲)

متغیرهای کنترلی

در این پژوهش تعدادی از ویژگی‌های شرکت که بر اعتبار تجاری مؤثرند، مورد استفاده قرار گرفته است (چن و همکاران، ۲۰۱۷؛ پیترسون و راجان، ۱۹۹۷):

Log (Asset): لگاریتم جمع دارایی‌ها

Log (Age + 1): لگاریتم سن شرکت + یک

POS_ChgSale: تغییرات مثبت فروش تقسیم بر جمع دارایی‌ها

NEG_ChgSale: تغییرات منفی فروش تقسیم بر جمع دارایی‌ها

ROA: سود قبل از مالیات تقسیم بر جمع دارایی‌ها

MB: نسبت دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام

Leverage: مجموع بدهی‌ها تقسیم بر جمع دارایی‌ها

CA: جمع دارایی‌های جاری به جز وجوه نقد تقسیم بر جمع دارایی‌ها

CL_XTrad: بدهی‌های جاری تقسیم بر جمع دارایی‌ها

CashHold: جمع وجه نقد و سرمایه‌گذاری تقسیم بر جمع دارایی‌ها

مدل پژوهش

برای آزمون فرضیات پژوهش از مدل زیر برگرفته از پژوهش صورت گرفته توسط چن و همکاران (۲۰۱۷) استفاده می‌شود:

$$\begin{aligned} Tradecredit = & \beta_0 + \beta_1 AQ_{i,t} + \beta_2 Infoasym_{i,t} + \beta_3 AQ_{i,t} * Infoasym_{i,t} \\ & + \beta_4 Auditor_{i,t} + \beta_5 LOG(asset)_{i,t} + \beta_6 posChesale_{i,t} \\ & + \beta_7 NEG_{chesale_{i,t}} + \beta_8 CASHHOLD_{i,t} + \beta_9 ROA_{i,t} \\ & + \beta_{10} CL_XTrad_{i,t} + \beta_{11} CA_{i,t} + \beta_{12} LEV_{i,t} + \beta_{13} MB_{i,t} + e_{i,t} \end{aligned}$$

مدل (۲)

یافته‌ها

در این بخش به آمار توصیفی و استنباطی در ارتباط با تحلیل داده‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

آمار توصیفی

خلاصه وضعیت آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل به شرح جدول (۱) است:

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	متغیر	سال شرکتی	میانگین	میان	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
رأی	اعتبار تجاری	۶۱۲	۰/۲۳۳	۰/۱۸۸	۰/۱۵۱	۰/۶۷۵	۰/۰۲۴
	کیفیت اطلاعات حسابداری	۶۱۲	۰/۱۰۲	۰/۰۷۸	۰/۰۸۷	۰/۳۶۶	۰/۰۰۳
	عدم تقارن اطلاعاتی	۶۱۲	۱/۳۲۸	۱/۱۰۸	۰/۷۷۶	۴/۱۶۱	۰/۳۳۳
	عامل تعاملی عدم تقارن و کیفیت	۶۱۲	۰/۱۳۴	۰/۰۹۱	۰/۱۵۳	۱/۱۰۸	۰/۰۰۵
	اندازه شرکت	۶۱۲	۶/۰۹۷	۶/۰۲۳	۰/۶۳۷	۸/۰۵۶	۴/۶۶۳
	رشد مثبت فروش	۶۱۲	۰/۲۵۲	۰/۱۶۴	۰/۳۴۰	۲/۱۵۶	۰
	رشد منفی فروش	۶۱۲	-۰/۵۵۶	۰	۰/۱۲۳	۰	-۰/۶۰۲
	نقدینگی	۶۱۲	۰/۰۶۷	۰/۰۴۰	۰/۰۸۶	۰/۵۰۱	۰/۰۰۹
	نسبت بدهی جاری	۶۱۲	۰/۵۰۳	۰/۵۰۲	۰/۱۹۹	۱/۰۲۸	۰/۰۸۲
	بازده دارایی‌ها	۶۱۲	۰/۱۹۹	۰/۱۳۵	۰/۲۳۸	۰/۹۳۷	-۰/۲۳۱
	نسبت دارایی جاری	۶۱۲	۰/۵۸۰	۰/۵۹۴	۰/۱۹۹	۰/۹۲۹	۰/۱۶۹
	اهرم مالی	۶۱۲	۰/۵۹۱	۰/۵۹۸	۰/۲۰۵	۱/۰۸۹	۰/۱۳۰
نسبت ارزش دفتری به بازار	۶۱۲	۰/۵۰۱	۰/۴۱۸	۰/۴۱۴	۲/۲۴۶	-۰/۳۱۷	
موسسه حسابرس							
تعداد شرکت‌سال که توسط موسسه حسابرسی بزرگ حسابرسی شده اند:				درصد شرکت‌سال که توسط موسسه حسابرسی بزرگ حسابرسی شده اند:			
۱۷۷ سال شرکت				۲۹ درصد			

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون چاو (F لیمر)، والد تعدیل شده، وولدریچ، ویکنز و پوی

ماهیت داده‌های مدل مربوط به فرضیه‌های پژوهش از نوع داده‌های ترکیبی است، بنابراین برای این که بتوان مشخص نمود که آیا استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مدل موردنظر کارآمد خواهد بود یا خیر، از آزمون F لیمر و در صورت استفاده از روش داده‌های پانل، به منظور این که مشخص گردد کدام روش (اثرات

ثابت و یا اثرات تصادفی) به منظور برآورد مناسب‌تر است، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. همچنین برای تشخیص ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی در مدل، به ترتیب از آزمون والد تعدیل شده و وولدریچ استفاده گردید. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول شماره (۲)، ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون F لیمیر، هاسمن، والد تعدیل شده و وولدریچ

آزمون	تعداد	مقدار آماره	سطح معناداری
لیمیر F	۶۱۲	۰/۶۸	۰/۹۹۰
والد تعدیل شده	۶۱۲	۸۰۰/۵۱	۰/۰۰۰
وولدریچ	۶۱۲	۰/۴۰۸	۰/۵۲۴
ویکنز و پوی	۶۱۲	۱۵۲/۵۵	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول شماره (۲)، آزمون F لیمیر و سطح معناداری آن (۰/۹۹۰) بیش‌تر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه صفر آزمون پذیرفته شده و بیانگر این است که باید از روش پولد استفاده کرد. نتایج آزمون والد تعدیل شده و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰)، مدل از نیکویی برازش برخوردار است. علاوه بر این معناداری آزمون ویکنز و پوی (۰/۰۰۰) مبین وجود ناهمسانی واریانس در بین خطای مدل می‌باشد. در نهایت سطح معناداری آزمون وولدریچ (۰/۵۲۴) حاکی از عدم وجود خودهمبستگی سریالی در بین اجزای اخلال مدل است. بنابراین، با توجه به این نتایج و برای رفع ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی در برآورد نهایی مدل (روش اثرات ثابت) از رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده می‌شود.

آمار استنباطی

آزمون مدل پژوهش

در جدول شماره (۳)، نتایج آزمون مدل مربوط به فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون فرضیه اول تا سوم پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	مقدار احتمال Z	تورم واریانس
کیفیت اطلاعات حسابداری	۰/۵۲۷	۰/۰۷۰	۰/۰۰۰	۷/۵۱
عدم تقارن اطلاعاتی	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۲۵۷	۱/۰۵
عامل تعاملی عدم تقارن و کیفیت	۰/۱۲۵	۰/۰۳۴	۰/۰۰۰	۳/۹۵
کیفیت حسابرس	-۰/۰۱۸	۰/۰۰۷	۰/۰۱۴	۱/۰۴
اندازه شرکت	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۵	۰/۸۵۲	۱/۰۹
رشد مثبت فروش	۰/۰۳۲	۰/۰۱۱	۰/۰۰۳	۱/۰۵

۱/۱۰	۰/۵۳۸	۰/۰۳۳	-۰/۰۲۰	رشد منفی فروش
۱/۰۲	۰/۸۲۶	۰/۰۴۱	-۰/۰۰۹	تقدینگی
۱/۷۵	۰/۰۰۰	۰/۰۲۴	۰/۳۲۱	نسبت بدهی
۱/۱۴	۰/۰۰۵	۰/۰۱۷	-۰/۰۴۷	بازده دارایی‌ها
۱/۶۳	۰/۱۸۷	۰/۰۲۳	۰/۰۳۰	نسبت دارایی جاری
۱/۴۴	۰/۰۹۹	۰/۰۲۰	۰/۰۳۴	اهرم مالی
۱/۱۱	۰/۶۶۵	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴	نسبت ارزش دفتری به بازار

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه اول

با توجه به نتایج جدول (۳) و مقدار معناداری آماره X^2 دو والد، می‌توان گفت که مدل رگرسیونی به‌طور مناسب برازش شده و در سطح خطای ۱ درصد معنادار است. در ادامه و با توجه به آماره Z در سطح معناداری ضرایب و علامت ضرایب رگرسیون هر یک از متغیرها، می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت اطلاعات حسابداری با ضریب (۰/۵۲۷) و مقدار احتمال (۰/۰۰۰) دارای اعتبار معنادار با اعتبار تجاری می‌باشد. بنابراین فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. در ارتباط با متغیرهای کنترلی، یافته‌ها حاکی از رابطه مثبت و معنادار رشد مثبت فروش، نسبت بدهی و اهرم مالی، برقرار است. در مقابل بین بازده دارایی‌ها با اعتبار تجاری رابطه منفی و معناداری مشاهده می‌شود. در عین حال، بین دیگر متغیرها با اعتبار تجاری رابطه معناداری مشاهده نمی‌گردد. همچنین مقادیر آماره تورم واریانس حاکی از آن است که بین متغیرهای مستقل پژوهش هم‌خطی وجود ندارد.

آزمون فرضیه دوم

در فرضیه دوم تاثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج جدول (۳) آماره Z در سطح معناداری ضرایب و علامت ضرایب رگرسیون هر یک از متغیرها، می‌توان نتیجه گرفت که متغیر تعدیلی (عدم تقارن اطلاعاتی * کیفیت اطلاعات حسابداری) دارای ضریب (۰/۱۲۵) و مقدار احتمال (۰/۰۰۰) که مبین این امر است، فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری، تاثیر معناداری دارد. همچنین مقادیر آماره تورم واریانس نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل پژوهش هم‌خطی وجود ندارد.

آزمون فرضیه سوم

در فرضیه سوم پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرس و اعتبار تجاری مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج جدول (۳) آماره Z در سطح معناداری ضرایب و علامت ضرایب رگرسیون هر یک از متغیرها، می‌توان نتیجه گرفت که متغیر کیفیت حسابرس دارای ضریب $(-۰/۰۱۸)$ و مقدار احتمال $(۰/۰۱۴)$ است، بنابراین فرضیه سوم پژوهش نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. در نهایت خلاصه نتایج فرضیه‌های پژوهش به شرح جدول (۴) می‌باشد.

جدول (۴): خلاصه نتایج فرضیات پژوهش

فرضیه‌ها	پذیرش یا عدم پذیرش فرضیه
بین کیفیت حسابداری و اعتبار تجاری رابطه معناداری وجود دارد.	پذیرش
عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین کیفیت حسابداری و اعتبار تجاری رابطه معناداری وجود دارد.	پذیرش
بین کیفیت حسابرس با اعتبار تجاری ارتباط معناداری وجود دارد	پذیرش

منبع: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

در اولین فرضیه به آزمون وجود رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری پرداخته شده است. نتایج آزمون برای فرضیه اول پژوهش دارای ضریب رگرسیونی $۰/۰۷۰$ و مقدار احتمال $۰/۰۰۰$ است. این نتیجه رابطه معنادار را نشان می‌دهد. در نتیجه فرضیه اول پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. این نتیجه موافق با پژوهش‌های آپیدینی (۲۰۱۱)، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵)، گورملی و همکاران (۲۰۱۲)، کلایر و همکاران (۲۰۱۲) می‌باشد. این امر نشان می‌دهد کسب اعتبار تجاری از اهمیت به‌سزایی برای حفظ و بقای شرکت‌ها در عرصه رقابت دارد. چرا با توجه به حجم کم نگهداری نقدینگی در شرکت‌های نمونه پژوهش، بدون اعتبار تجاری ادامه فعالیت شرکت‌ها امری دشوار به نظر می‌آید.

در دومین فرضیه به آزمون وجود تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بین رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری پرداخته شده است. نتایج آزمون برای این رابطه دارای ضریب رگرسیونی $۰/۱۲۵$ و مقدار احتمال $۰/۰۰۰$ است. این نتیجه وجود رابطه معنادار را بین این دو متغیر نشان می‌دهد. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش در

سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. این نتیجه موافق با پژوهش کلارسون و همکاران (۲۰۰۷) و چن و همکاران (۲۰۱۷) می‌باشد.

در فرضیه سوم به رابطه بین کیفیت حسابرس و اعتبار تجاری پرداخته شده است. نتایج آزمون برای این رابطه دارای ضریب رگرسیونی $0/018-$ و مقدار احتمال $0/014$ است. این نتیجه نشان می‌دهد که بین کیفیت حسابرس و اعتبار تجاری ارتباط معناداری وجود دارد. در نتیجه فرضیه سوم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. در توجیه رابطه منفی بین کیفیت حسابرس و اعتبار تجاری می‌توان اظهار داشت که، کیفیت حسابرس به طور ذاتی غیر قابل مشاهده و ارزیابی آن بسیار هزینه‌بر است. علاوه بر این، موسسات حسابرسی بین‌المللی بزرگ در ایران فعالیت نمی‌کنند و حسابرس متخصص صنعت هم به نظر می‌رسد در کشور هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. در چنین شرایطی، موسسات حسابرسی معتمد بورس در چهار طبقه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" رتبه‌بندی شدند. رتبه‌بندی موسسات حسابرسی مدعی است که موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" کیفیت بالاتری نسبت به حسابرسان معتمد سایر طبقات دارند. بنابراین، حسابرسی صاحبکاران بزرگ به حسابرسان طبقه "اول" محول شده است. اما سوال علمی پاسخ داده نشده این است که: آیا موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" واقعا کیفیت بالاتری نسبت به موسسات حسابرسی معتمد سایر طبقات دارند؟ در نهایت این نتیجه موافق با پژوهش حکیم و عمری (۲۰۱۰) و آلماتیری و همکاران (۲۰۰۹) و چن و همکاران (۲۰۱۶) می‌باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد که پژوهش‌هایی در زمینه تاثیر این متغیرها بر موضوعات مالی و حسابرسی انجام گردد که این عمل می‌تواند از جنبه غنا بخشیدن به مبانی نظری و سودمندی عملی مفید واقع شود. همچنین با توجه به وجود رابطه معنادار بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری توصیه می‌گردد اعتباردهندگان کیفیت اطلاعات حسابداری را مورد توجه قرار دهند.

منابع

- ✓ اسدی، غلامحسین؛ خالقی، مرتضی. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر دفعات گزارشگری مالی روی عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه. مجله دانش حسابداری. سال شش. شماره ۲۲. ۲۸-۷.
- ✓ بلالی، حسن؛ نورشاهی، کبری. (۱۳۹۲). کیفیت اطلاعات حسابداری و مخارج سرمایه‌ای شرکت‌ها: دیدگاه مبتنی بر نظریه نمایندگی. مطالعات حسابداری و حسابرسی.
- ✓ علوی طبری، سیدحسین؛ رجبی، روح‌اله؛ شهبازی، منصوره. (۱۳۸۸). "رابطه نظام راهبری و حق‌الزحمه حسابرسی مستقل" دانش حسابداری، تابستان ۱۳۹۰؛ ۲(۵): ۷۵-۱۰۱.

- ✓ کردستانی، غلامرضا؛ رحیمی، مصطفی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کیفیت حسابداری با هزینه سرمایه سهام عادی و مدیریت سود. فصلنامه مطالعات حسابداری. شماره ۲۶. ۷۱-۹۲.
- ✓ سقانصرتی، حمید. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین کیفیت حسابداری، کیفیت حسابرس و اعتبار تجاری با ملاحظه نقش عدم تقارن اطلاعاتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، دانشکده حسابداری و مدیریت.
- ✓ Ali R. Almutairi, Kimberly A. Dunn, Terrance Skantz. (2009). Auditor tenure, auditor specialization, and information asymmetry, *Managerial Auditing Journal*, Vol. 24 Issue: 7, pp.600-623.
- ✓ Beatty, A., S. Liao, and J. Weber. (2010). Financial reporting quality, private information, monitoring, and the lease-versus-buy decision. *The Accounting Review* 85 (4): 1215–1238.
- ✓ Bhattacharya, N. H., H. Desai, and K. Venkataraman. (2013). Earning quality and information asymmetry: Evidence from trading costs. *Contemporary Accounting Research* 30 (2): 482–516.
- ✓ Chen, D. Liu. M. Ma, T And Martin, X. (2017). Accounting Quality and Trade Credit. *Accounting Horizons*. Vol. 31, No. 3. pp. 69–83.
- ✓ Chen, T., H. Levy, X. Martin, and R. Shalev. (2016). Buying Products from Whom You Know: Personal Connections and Information Asymmetry in Supply Chain Relationships. Working paper, New York University.
- ✓ Clarkson, G., Jacobsen, T. E. & Batcheller. A. L. (2007). Information asymmetry and information sharing. *Government Information Quarterly*, 24(4), 827-39.
- ✓ Cormier, D., Sylvain, H., and Marie, L. (2013). The incidence of earnings management on information asymmetry in a certain environment: Some Canadian evidence. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, (22): 2638.
- ✓ Faten Hakim, Mohamed Ali Omri. (2010). Quality of the external auditor, information asymmetry, and bid-ask spread: Case of the listed Tunisian firms, *International Journal of Accounting & Information Management*, Vol. 18 Issue: 1, pp.5-18.
- ✓ Francis, J., R. LaFond, P. Olsson, and K. Schipper. (2005). The market pricing of accruals quality. *Journal of Accounting & Economics* 39 (2): 295–327.

- ✓ Garcı́a Lara, J. M., B. Garcia Osma, and F. Penalva. (2011). Conditional conservatism and cost of capital. *Review of Accounting Studies* 16(2): 247–271.
- ✓ Garcia-Appendini, E. (2011). Supplier Certification and Trade Credit. Working paper.
- ✓ Gormley, T., B. Kim, and X. Martin. (2012). Do firms adjust their timely loss recognition in response to changes in the banking industry?. *Journal of Accounting Research* 50 (1): 159–196.
- ✓ Hui, K.W., Klasa, S., Yeung, P.E. (2012). Corporate suppliers and customers and accounting conservatism. *J. Acc. Econ.* 53, 115–135.
- ✓ Klapper, L., L. Laeven, and R. Rajan. (2012). Trade credit contracts. *Review of Financial Studies* 25 (3): 838–867.
- ✓ Li, Qingyuan and Wang, T. (2010). Financial reporting quality and corporate investment efficiency: Chinese experience. *Nankai Business Review*, 1 (2), 197-213.
- ✓ Petersen, M., and R. Rajan. (1997). Trade credit: Theories and evidence. *Review of Financial Studies* 10 (3): 661–691.
- ✓ Raman, K., and H. Shahrur. (2008). Relationship-specific investments and earnings management: Evidence on corporate suppliers and customers. *The Accounting Review* 83 (4): 1041–1081.